

یادداشت

«ریشه‌کن کردن» فساد ماموریت دولت و بخش خصوصی



حسین ساسانی
تحلیلگر مهندسی توسعه

● پاک‌بودن دست‌ها برای خدا مهم است، نه پربودن آنها. (بابلیلیوس سایروس، قرن اول پیش از میلاد)

فساد مشکلی بزرگ‌تر از آن است که گروه، سازمان یا دولتی بتواند به‌تنهایی بر آن غلبه کند. برآوردهای محافظه‌کارانه بانک جهانی نشان‌دهنده آن است که رواج جهانی فساد سبب می‌شود تا سالانه یک‌تریلیون دلار رشوه در سطح جهان پرداخت و بین ۲۰ تا ۴۰میلیارد دلار خسارت اقتصادی به کشورهای درحال‌توسعه و درحال‌گذار وارد شود. رشد سرسام‌آور جنایات سازمان‌یافته فرامرزگی که فساد سبب تسهیل آن می‌شود، تلاش‌های مشترک بین تمامی طرفین ذی‌نفع در هرسطحی را تبدیل به امری ضروری کرده است.

به عبارت دیگر، در مبارزه جهانی علیه فساد، همکاری‌هایی که دربرگیرنده تجربیات و منابع تمامی ارکان توسعه یعنی دولت، بخش خصوصی و تشکل‌ها و نهادهای مدنی باشد، امری ضروری به‌شمار می‌رود. همکاری‌ها و همچنین ایجاد ائتلاف بین نهادهای و بخش‌های داخل هرکشور در راستای دستیابی به اهداف مبارزه با فساد، تاثیر بیشتری از تلاش‌های جداگانه هریک از این نهادها و بخش‌ها خواهد داشت. یک اصل غیرقابل انکار وجود دارد و آن اینکه، فساد مشکلی است که از دوران باستان تاکنون، نهادهای بخش خصوصی و دولتی با آن مواجه بوده‌اند و مانعی در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی بوده است. اصل دیگری هم که دولت‌ها به‌تنهایی نمی‌توانند با فساد مبارزه کنند، اکنون به‌طور کامل پذیرفته شده است. بنابراین بخش خصوصی و جامعه مدنی و بخش‌های مختلف کشور باید وارد کارزار شوند و نقش‌های فعال در شفاف‌کردن موارد سوءاستفاده و تبانی و جلوگیری از فساد داشته باشند. دولت و نهادهای وابسته به آن باید برای حصول اطمینان از این موضوع که تهیه و خرید کالاهای دولتی به‌شیوه‌ای شفاف و همراه با امتداری انجام می‌شود، با کسب‌وکارهای مختلف خصوصی و جامعه مدنی همکاری کنند. همچنین دولت برای تقویت شفافیت در بخش‌هایی که در برابر فساد آسیب‌پذیر هستند، باید با بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی همکاری کند. این تلاش‌ها سبب می‌شود تا از بودجه‌های عمومی به‌شیوه‌ای موثرتر و کارآمدتر استفاده شود.

آخرین گزارش شاخص شفافیت بین‌الملل» در سال ۲۰۱۴ که چهارمبار کلان، مدیریت عمومی دولت‌ها، موقعیت بخش خصوصی، دسترسی به خدمات عمومی و دسترسی حقوقی و قضایی را مورد ارزیابی قرار داده است، نشان می‌دهد ایران از بین ۱۷۸کشور، رتبه ۱۳۶ را به خود اختصاص داده و شفاف‌نبودن و به‌دنبال آن فساد در شرایط بسیار نامناسبی قرار دارد و حل آن نیازمند عزم ملی در همه بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، چه دولتی و چه خصوصی است. دولت، مجلس و قوه‌قضاییه در قالب حاکمیت، باید پذیرند شهروندان، کسب‌وکارها، تشکل‌های صنعتی و اقتصادی و نهادهای خصوصی نتنها می‌توانند بر اقدامات نهادهای دولتی نظارت داشته باشند، بلکه درعین‌حال می‌توانند نقشی اساسی در تقویت درستکاری و امتداری در حیطه فعالیت خاص خود نیز داشته باشند. خوشبختانه قوانین و اصول مورد پذیرش جهانی در خصوص همکاری‌های دولت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی در محو فساد وجود دارد که می‌توان از آنها هم استفاده کرد. برای نمونه، این اصل که در کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد (UNCAC) – که جنبه‌ای تقریبا جهانی دارد و ۱۵۸کشور جهان و اتحادیه اروپا آن را امضا کرده‌اند- و جامع‌ترین پیمان بین‌المللی مبارزه با فساد به‌شمار می‌رود، مورد تاکید قرار گرفته است. اقدامات گسترده پیشگیرانه و کیفری، شرایط همکاری‌های جهانی و بازگرداندن دارایی‌های به‌دست‌آمده طی فرایندهای فاسد و تدوین یک سازوکار برای نظارت بر اجرای مفاد این پیمان، آن را تبدیل به ابزاری قدرتمند برای مبارزه با فساد در سطح ملی و فراملی کرده است.

خبر

تولید نفت ایران افزایش یافت

● مهر: سازمان اوپک در تازه‌ترین گزارش خود از افزایش هفت‌هزارو۶۰۰بشکه‌ای در تولید روزانه نفت ایران خبر داد. سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) اعلام کرد تولید ۱۲عشواوپک در ماه فوریه۲۰۱۵ میلادی با کاهش ۱۳۷هزارو۶۰۰بشکه‌ای در روز روبه‌رو شد و به بیش از ۳۰میلیون بشکه در روز رسید. درهمین حال، ۹عضو اوپک با کاهش تولید و سه‌کشور نیز با افزایش تولید مواجه شده‌اند. بر اساس این گزارش، تولید نفت ایران در فوریه۲۰۱۵ میلادی با هفت هزارو۶۰۰بشکه در روز افزایش نسبت به ماه قبل از آن مواجه شد و به دومیلیون۷۷۸هزار بشکه در روز رسید.

ادامه از صفحه ۵

به‌این‌صورت، زمینه شکل‌گیری قدرت‌های هم‌سنگ در عرصه اقتصاد و سیاست فراهم می‌شود که نتیجه کارکردی آن امکان نظارت بیشتر این قدرت‌ها بر عملکرد یکدیگر و برای مثال وادارسازی دولت‌ها به تأمین اقدامات پیشگیرانه در عرصه‌های اجتماعی و افشاسازی‌های جدی در موارد مربوطبه فساد است. دراین‌صورت، آزادی روبه‌ای، به این معنا که روبه صندوق رای به‌متایبه حقوق سیاسی افراد وجود دارد، می‌تواند معنای واقعی‌تری پیدا کند و در گذر زمان عمق بیشتری یابد.

نهادهای چه نقشی را می‌توانند در تحقق عدالت داشته باشند و چه ابزارهایی به این امر کمک می‌کنند؟

نهادهای مانند قانون‌اساسی ریشه در باورها و کدهای ذهنی ما دارند که تعیین‌کننده سازمان‌ها و چارچوب‌های سیاستی هستند. وقتی از منظر آزادی مثبت به آزادی نگاه می‌کنیم و آن را باور داریم طبعاً، باید قوانین اساسی به‌متنابه زیرساخت نهادی جامعه، همساز با چارچوب‌های سازمانی و سیاستی معطوفبه تأمین عدالت اجتماعی باشد. اگر از منظر آزادی منفی به موضوع نگاه کنیم، به‌گونه‌ای دیگر عمل می‌کنیم. از منظر مدافعان آزادی منفی، نهادهای و سازمان‌های اجتماعی‌گرایی چون اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری مخل آزادی و عدالت مبادله‌ای هستند و از دیدگاه مدافعان آزادی مثبت، چنین نهادهای و سازمان‌هایی مقوم آزادی و عدالت توزیعی هستند و بدون آنها آزادی روبه‌ای معنایی پیدا نمی‌کند. با این توضیح، عرض این است که بسته به اینکه موضع ما در این مناقشه چیست، می‌توانیم نقش نهادهای خاص را متفاوت ارزیابی کنیم. من از منظر آزادی مثبت، معتقدم نهادهای اجتماعی‌گرایانه، پیش شرط دستیابی به عدالت توزیعی قابل‌قبول است.

کاشما به مفهوم آزادی مثبت در دیدگاه آزایا برلین اشاره کردید. برلین انقلاب فرانسه را نتیجه طلب آزادی مثبت و خواست توده‌های گمنام می‌داند. آیا نباید در تفسیر آزادی مثبت نگران تمرکز قدرت، حتی در دستان اکثریت، بود؟

رویکرد آزادی مثبت ناقض حقوق سیاسی افراد نیست. همین‌طور ناقض فردیت آدمی هم نیست. معتقد است که این فردیت در خلا اجتماعی شکل نمی‌گیرد و به‌خوبی رشدونمو نمی‌کند. آدمی جزئی از جامعه است و در جامعه‌ای سالم می‌تواند استعدادهای راستینش را شکوفاتر کند. آزادی منفی مورد تأکید رویکرد نولیبرالی به ساماندهی نظام اجتماعی، دراصل، فرض را بر این می‌گذارد که مانند رابینسون کروزونه هستیم؛ منفرد منفرد. اما، ما جزئی از جامعه هستیم، در ظرف جامعه نفس می‌کشیم. اگر این ظرف مناسب نباشد، دچار تنگی نفس می‌شویم. تردیدی نیست اگر حقوق سیاسی و آزادی روبه‌ای در میان نباشد، مداخله دولت موجب نقض فردیت آدمی می‌شود. درعین‌حال در غیاب آزادی فرصتی،

آزادی روبه‌ای یا سیاسی نیز نمی‌تواند معتادار باشد. بنابراین این‌دو لازم و ملزوم یکدیگرند. من به تجربه هند اشاره می‌کنم. هند در زمان جواهر لعل‌نهرو و ایندیرا گاندی، اقتصاد مداخله‌گرایانه‌ای با رنگ‌وبوی سوسیالیستی‌راه سومی داشت. هنوز جریان چپ از چپ مارکسی گرفته تا چپ سوسیال دموکرات در این کشور بسیارقوی است. با وجود این، همه می‌پذیرند که بزرگ‌ترین دموکراسی جهان نیز بوده و هست. دلایل اعتقاد رهبران این

کشور به آزادی روبه‌ای و تأمین حقوق شهروندی و مدنی تمامی افراد جامعه صرف‌نظر از اعتقادات دینی آنها از سویی و ضرورت تأمین حمایت‌های اجتماعی برای کاهش فقر و نابرابری از سوی دیگر است.

آیا می‌توان نظام مطلوب اقتصادی را همان ساختار اقتصادی عادلانه دانست؟

اگر بخواهیم بر مبنای شاخص‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی درباره بهترین جوامع جهان صحبت کنیم به کدام موارد استناد می‌کنیم؟ بی‌تردید به جوامع اسکندنیای که بهترین توزیع درآمد را دارند و نسبت ۱۰درصد بالایی به ۱۰درصد پایینی چهار تا پنج‌برابر است. میزان ضریب جینی کم و ۲۰ تا ۲۵صدم است. شکاف طبقاتی کم و همبستگی اجتماعی بالاست. کمترین میزان فساد را دارند. اخیرا دواقصاددان که یکی هم ایرانی‌الاصل است به نام‌های حسین عسکری و شهزاد رحمان در مقاله‌ای با استناد به داده‌های مختلف نشان دادند عادلانه‌ترین اقتصادهای دنیا را کشورهای اسکندنیای دارند. میزان سود بانکی در حد نیم تا دودرصد و بنابراین شبکه بانکی قرض‌الحسنه‌ای است. مشکلی به نام مسکن برای افراد جامعه وجود ندارد. علاوه بر این، اخیرا در اخبار اعلام شد مردم سوئد با افزایش دستمزدها مخالف کرده‌اند چون معتقدند افزایش درآمد موجب افزایش مصرف و افزایش مصرف موجب تخریب بیشتر طبیعت و محیط‌زیست می‌شود. این مصداقی از نظام اجتماعی مطلوب است که مدنظر شماست. تردیدی نیست که علت اصلی آن وجود دولت اجتماعی با سابقه تاریخی قوی در این جوامع است. دولت اجتماعی که هم سازگار با آزادی فرآیندی و سیاسی است و هم سازگار با آزادی فرصتی با عدالت توزیعی.

توزیع درآمد و ثروت در جهت افزایش برابری با چه معیاری و تا چه میزانی می‌تواند به پیش رود و توزیع درآمد منطبق با چه میزان و معیاری از آزادی است؟

طبیعی است وقتی از عدالت توزیعی صحبت می‌کنیم منظورمان به‌معنای برابری کامل که همراه با ضریب جینی صفر است، نیست. منظور این نیست که ثروت میان جمعیت کاملاً عادلانه توزیع شود. این اتویپای غیرمنطقی است که کارکرد منفی دارد. اتویپا پدیی نیست به شرط اینکه در چارچوب امکانات تاریخی باشد. دسترسی به برابری کامل امکان‌ناپذیر است. حتی در کشورهای سوسیالیستی سابق نیز نابرابری وجود داشت. ضریب جینی آنها مانند کشورهای اسکاندنیای در حدود ۲۰صدم بود. اما، دسترسی به برابری نسبی امکان‌پذیر است. این اتویپایی منطقی و تلاش برای تحقق آن ارزشمند است. بر مبنای مصادیق مطلوب جهانی پیش‌رویمان، می‌توانیم بگوئیم توزیع درآمد در کشورهای اسکاندنیای معیار خوبی برای سایر کشورها هم می‌تواند باشد. نابرابری در حد نسبت چهار تا پنج‌برابری ۱۰درصدی بالایی به ۱۰درصد پایینی جامعه قابل‌قبول و بیشتر از آن قابل‌قبول نیست. وقتی آزادی فرآیندی (صندوق رای) وجود داشته باشد و توزیع درآمد قابل‌قبول نیز ماحصل فشار جامعه (نهادهای اجتماعی مساوات‌گرایانه‌ای چون اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری) و پوشش‌های حمایتی دولت باشد، در این صورت، هم آزادی سیاسی وجود دارد و هم آزادی فرصتی. یعنی، در چنین ساختی، نه به بهای آزادی از عدالت توزیعی غفلت می‌شود و نه به بهای عدالت توزیعی، آزادی سیاسی فدا می‌شود.

کاشما تضمینی برای موفق بودن مهندسی اجتماعی در تحقق عدالت اجتماعی وجود دارد؟ در شرایطی که اصول عدالت تعریف واضحی ندارد هر سیستم سیاسی و اقتصادی می‌تواند مدعی عدالت اجتماعی باشد. همان‌طور که تجربه‌های موفقی در بهبود عدالت اجتماعی در دولت‌های رفاهی وجود دارد، تجربه‌های ناگواری نیز در مفسل‌بندی مهندسی اجتماعی و در تحقق عدالت اجتماعی و آزادی در طول تاریخ وجود دارد. تقریباً همه این ساختارها به آزادی بازار و رقابت حمله کرده‌اند. چگونه می‌توان نسبیتی میان آزادی و نهادگرایی برقرار کرد؟

اگر سهراس مثلث جامعه، بازار و دولت اجتماعی کارآمد در کنارهم وجود داشته باشد آزادی مثبت شکل می‌گیرد. منظور از جامعه، نهادهای اجتماعی

با کارکرد مساوات‌گرایانه است که دولت را وادار به تأمین پوشش‌های لازم می‌کند. در تجربه تاریخی کشورهای پیشرفته صنعتی نهادهای کارگری نقش مهمی در وادارکردن دولت‌ها به تدوین قانون کار داشته‌اند. منظور از بازار نیز پذیرش مالکیت خصوصی بر ابزار تولید است که بر بستر جامعه‌ای با نهادهای دموکراتیک، دارای کارکردی جامعه‌گرایانه می‌شود.

در غیاب چنین بستری، نهاد بازار بر جامعه سیطره پیدا می‌کند و همه مناسبات اجتماعی را به مناسبات پولی تبدیل می‌کند. به جای آنکه در خدمت جامعه باشد به ارباب جامعه تبدیل می‌شود. در این شرایط، حداقل‌های طبقات فرودست جامعه تأمین نمی‌شود و با باقی‌ماندن شکاف‌های طبقاتی قابل‌توجه همبستگی اجتماعی حداقل می‌شود. جامعه‌ای ناسالم شکل می‌گیرد که در آن عده‌ای قلیل آزادند که فرصت‌ها را دنبال کنند و عده‌ای کثیر در بند شرایط نامناسب اقتصادی گرفتارند و فرصت‌های موجود برایشان معنایی ندارد. درعین‌حال، در غیاب بازار نیز باید همه تصمیمات اقتصادی توسط دولت گرفته شود که آثار منفی آن را در تجربه بلوک شرق سابق دیده‌ایم. دولت اجتماعی کارآمد نیز برآیند حضور نهادهای اجتماعی مختلف و همین‌طور احزاب سیاسی قوی و نظام بوروکراسی قوی است.

کاشما در تعریف خود از بازار آن را ملزمت به شکل‌گیری در بستری اجتماعی با کارکردهای جامعه‌گرایانه می‌دانید. این در حالی است که آمارتیا سن که شما در ارایه برخی تعاریف از آن پیروی کردید، معتقد است آزادی مبادله و دادوستد خود بخشی از آزادی‌های اساسی است که مردم برای ارج‌نهادن و رسیدن به آن دلیل دارند. این واقعیت که آزادی مبادلات اقتصادی نوعاً می‌تواند موثر

اقتصاد

عدالت توزیعی به معنای توزیع کاملاً برابر نیست



حسین ساسانی
تحلیلگر مهندسی توسعه

اصلی رشد اقتصادی باشد به‌طور گسترده‌ای پذیرفته شده است. اما آمارتیا سن معتقد است این مهم پس از اهمیت اساسی‌تر- ایجاد آزادی مبادله- در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد. محور توجه در ارزیابی مکانیسم بازار بیشتر تمایل به نتایجی بوده است که مکانیسم بازار تولید می‌کند، همچون درآمدها یا مطلوبیت‌های حاصل از بازارها. اما آمارتیا سن معتقد است مورد فوری‌تر برای آزادی دادوستد بازار در اهمیت اساسی خود آن آزادی نهفته است. آیا توجه ویژه شما به کارکردهای بازار و طبعاً اتخاذ سیاست‌هایی که فرصت‌های بازار را محدود می‌کنند، نمی‌تواند اثر محدودکننده‌ای بر گسترش آزادی‌های اساسی موردنظر سن که می‌تواند از طریق نظام بازار ایجاد شوند، داشته باشد؟

به نکته خوبی اشاره کردید. ببینید سن معتقد است هدف نهایی فرآیند توسعه، رهایی آدمی از جبر شرایط محیطی است. برای تحقق چنین امری تا جایی که ممکن است ابزارهایی وجود دارد که آنها را در پنج‌گروه نام‌گذاری می‌کند: ۱- آزادی‌های سیاسی ۲- تسهیلات اقتصادی (فرصت مبادله در بازار) ۳- فرصت‌های اجتماعی ۴- تضمین شفافیت ۵- تأمین حمایتی»، یعنی، هدف از آزادی سیاسی و آزادی مبادله در بازار به همراه سایر موارد، کمک به آدمی برای رهایی از جبرهای حاکم بر زندگی است. همان‌طور که گفتید آزادی مبادله در بازار جزئی از آزادی‌های ابزاری مورد تأکید وی است. چرا؟ برای اینکه، در غیاب چنین آزادی‌ای نظام برنامه‌ریزی مرکزی باید همه امور

را سامان دهد و این می‌تواند به جای رهایی آدمی از جبرها، موجب اسارت او شود. اما نکته مهم این است که آزادی مبادله بر بستر سایر آزادی‌ها می‌تواند در خدمت آزادی ذاتی به‌معنای رهایی از جبرها باشد. یعنی، وقتی فرصت‌های اجتماعی و تأمین‌های حمایتی وجود دارد، سازوکار بازار می‌تواند کارکرد مناسبی داشته باشد. همان‌طور که عرض کردم، به‌این‌صورت بازار در خدمت جامعه قرار می‌گیرد. بنابراین، مداخله‌های حمایتی دولت به‌معنای محدودکردن آزادی مبادله در بازار نیست، بلکه به این معناست که آن را در خدمت جامعه قرار می‌دهد. البته، همان‌طور که می‌دانید از نظر رویکرد نولیبرالی هایک و فریدمن و تاجر چیززی به‌نام جامعه وجود ندارد. جامعه چیزی نیست جز جمع جبری افراد. ازاین‌منظر، آزادی مبادله بازاری در غیاب تأمین‌های حمایتی دولت، می‌تواند موجب شکل‌گیری جامعه‌ای سالم شود، اما می‌دانیم که تاریخ چیز دیگری می‌گوید.

کشورهای اسکاندنیای در قیاس با آمریکا و انگلستان الگوهای بسیار بهتری هستند. نکته دیگر اولویت‌بندی میان آزادی و عدالت اجتماعی است. حتی جان راولز با اینکه معتقد به آزادی مثبت است، اما اولویت را به آزادی و سپس به تأمین‌های حمایتی و فرصت‌های اجتماعی در قالب آنچه «اصل‌اختلاف» می‌نامد، می‌دهد. اما، سن، این‌دو را از هم جدایی‌ناپذیر می‌داند و چنین اولویت‌بندی را نقد می‌کند. از نظر من نیز بحث سن کاملاً درست است. همان‌طور که پیش‌تر عرض کردم، آزادی روبه‌ای و آزادی فرصتی تکمیل‌کننده هم هستند و در یک‌رابطه دیالکتیکی می‌توانند موجب تقویت هم شوند. هرجایی آزادی فرصتی وجود دارد، دموکراسی عمیق‌تر است. وقتی به تجربه صندوق رای در کشورهای پیشرفته نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که حتی در آمریکا تا نیمه‌قرن بیستم، زنان حق رای نداشته‌اند، درحالی‌که در کشورهای اسکاندنیای از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم چنین حق را داشته‌اند. سنت‌های قوی اجتماعی گرایی در این کشورها موجب تقویت آزادی فرصتی و افزایش مطالبات اجتماعی مساوات‌گرایانه در اشکال گوناگون آن شده است. با تحقق این مطالبات، آزادی روبه‌ای یا سیاسی نیز تقویت شده و در زمانی دیگر، تأثیری مثبت بر پیگیری فرصت‌های اجتماعی گذاشته‌است. به‌این‌صورت، دور فراینده‌ای شکل گرفته که کارکرد آن در گذر زمان، تعمیق دموکراسی بوده است.

[۱] مجله آتلاین بورژوا، ترجمه آرمان سلاح‌ورزی

گذر

درآمد ۲۰هزارمیلیاردتومانی از مالیات بر ارزش افزوده

● فارس: رئیس‌کل سازمان امور مالیاتی کشور گفت: امسال ۲۰هزارمیلیاردتومان از محل مالیات بر ارزش‌افزوده درآمد کسب شده است. علی عسکری با اشاره به اینکه درآمدهای مالیاتی کشور درحال‌حاضر بالغ بر ۵۲هزارمیلیاردتومان است، اظهار کرد: این درآمدها نسبت سال قبل ۴۹درصد رشد دارد. وی در مورد درآمد مالیات بر ارزش‌افزوده و کالا و خدمات بیان کرد: از مجموع درآمدها ۲۰هزارمیلیاردتومان آن مربوط به این بخش است که نسبت به سال گذشته ۷۴درصد رشد نشان می‌دهد. معاون وزیر اقتصاد درمورد افزایش درآمدهای مالیات مستقیم نیز گفت: این رقم ۳۲هزارمیلیاردتومان است که نسبت به سال گذشته ۳۶درصد در سال‌جاری رشد دارد.

شیطنت مرغداران، مرغ را گران کرد

● مهر: معاون وزیر جهاد کشاورزی با بیان اینکه سازمان‌های نظارتی باید با کشتارگاه‌هایی که خودسرانه اقدام به افزایش قیمت کشتار کرده‌اند، برخورد کند، گفت: قیمت گوشت مرغ در میدان تره‌بار شش هزارو۹۸۰تومان است. رکنی با بیان اینکه ذخایر فعلی مرغ منجمد بیش از صدهزارتن است، تصریح کرد: به تناسب نیاز جامعه و کشتش بازار، عرضه این مرغ را افزایش می‌دهیم. روز گذشته دوهزارو۵۴۰تن مرغ سرد به بازار عرضه شده، ضمن اینکه بیش از ۳۰تن مرغ گرم وارد میدان بهمن شده است. این در حالی است که رئیس اتحادیه پرنده و ماهی نیز با اشاره به افزایش مجدد قیمت مرغ، گفت: تأخیر مرغداران در عرضه مرغ به بازار، علت این موضوع است و مسؤولان باید کنترل بیشتری بر بازار داشته باشند.

کاهش قیمت نفت

در معاملات بازار جهانی

● تسنیم: قیمت نفت در معاملات دیروز با کاهش بیش از یک‌دلار به کمتر از ۵۴دلار رسید و هر اونس طلا با ثبات نسبی در مقایسه با روز گذشته در برابر هزارو۱۱۵دلار معامله شد. قیمت هر بشکه نفت سبک آمریکا در روز سه‌شنبه با کاهش ۴۰سنتی نسبت به روز گذشته مواجه شد و به ۴۳/۴۸دلار رسید.



آینده، امروز در دستان شماست

Mate7

بزرگ اما ظریف

صفحه نمایش بزرگ ۶ اینچی بدون قاب با طراحی بی نظیر

بدنه ظریف ۷/۹ میلیمتری فلزی برای استفاده آسان

سریع و با دوام

قابلیت استفاده از شبکه های مخابرات نسل چهارم

پرازدانه قدرتمند ۸ هسته ای همراه با باتری ۴۱۰۰ میلی آمپر

با قابلیت استفاده هوشمند از قدرت باتری

ایمن اما در دسترس

سنسور اثر انگشت برای امنیت و ورود آسان

رابط کاربری جدید EMUI 3.0 با طراحی زیبا و استفاده آسان